

تعليق عضويت عده از اعضاي حزب واحد در دنمارك

اوضاع كنونى در كشور جدا نگران كننده و قابل تشويش ميباشد. فقر و گرسنگى بى داد ميكند، جهالت و جهالت سرشتان در پيوند با حمايت گران درون مرزى و بيرون مرزى شان آخرين داشته ها و انباشته هاى مادى، فكرى و معنوى كشور را دارند غارت مينمايند، تفنگ سالاران و ترياك سالاران، در تفاهم با باند ها و چهره هاى كاذب و مسخ شده، فروخته شده، اجير و نوكر كه به نام هاى مختلف تكنوكرات، دمكرات، تجار و سرمايه گذار مجاهد و ملا و مفتى رهبر و شيخ و آخوند.....

(البته خط جهادگران عالمان و دانشمندان دين دوست و آيين دوست، كشور كه اكنون كاملاً به حاشيه رانده شده اند از مجاهد، ملا و مفتى آمريكا دوست

و پول دوست جدا است) به كشور يك جا با بمب افگن هاى ب ۵۲ و بعد از آن ديسانت شده اند چنان به جان و مال اين كشور فقير، درمانده، مريض و مجروح، عقب نگهداشته شده و اسير زنجير افكار و اندشه هاى خرافاتى و قرون اوسطاى افتاده اند كه كارد بر استخوان مى رانند و از آن لذت مى برند.

ديروز آدمكى را بنام كرزى به اسب قدرت سوار كردند و ياران و اخلافس را تروريست و طالب و القاعده ناميدند و به مردم وعده ترقى، پيشرفت، دموكراسى و رفاه دادند و در عمل فقط به خاطر نيل به اهداف و منافع تكتيكى و استراتيژيكى، منطقوى و فرا منطقوى شان مبادرت ورزيدند.

خواستند در افغانستان معجزه بيافرينند و دموكراسى، آزادى، تساوى حقوق شهروندى، حقوق زن و..... را توسط ملا و مذهب، مدرسه و مسجد، تفنگ و تفنگدار و صاحبان زور و زر بدون در نظر داشت شرايط اقتصادى، اجتماعى، تاريخى و فرهنگى افغانستان به گونه غير طبيعى بوجود آورند. قانون و عدالت را با قطاع الطريق، دزد، آدمکش، جاني، اجير و نوكر دالر و كلدار تأمين دارند، حكومت و نهاد هاى اداره قدرت را بدست دزدان نكتاى پوش، مجاهدين بى ريش و كم ريش و طالبان حكومتى و درون مرزى سپردند، انتخابات بد نام و شرم آور رياست جمهورى و پارلمانى بر گذار كردند، وعرصه هاى قانون و قانون گذارى، علم و ادب، اقتصاد، پلانگذارى، فرهنگ، منجمنت و وادره و..... رابه عناصر فرصت طلب اجير كم سواد و حتى بى سواد تسليم دادند و خواستند شريف ترين اهداف و وظائف را با نا..... ترين وسايل و آدمك هاى جامه عمل بپوشانند، و امر و ز دو باره بانگ طالب گرايى و طالب نمايى بلند است و به

حکمتیار و حقانی و به ملا عمر و ، مخالفین مسلح، نام نهاده اند. و در همین تازه گی ها آن ها را در جزایر جنت نشان عیاشی شان به دور همان محور کهنه جهالت و شرارت به پشت میز مذاکره و مفاهیمه نشاندند.

در فردا اگر منافع و اهداف منطقی و فرا منطقی شان حکم نماید این کشور بی صاحب ، بی دروازه ، جنگ زده و غارت شده را همانطوریکه باشند گانش را به قوم ، مذهب ، منطقه ، زبان و احزاب متعدد تقسیم نموده اند، تجزیه و تقسیم مینمایند و به پاکستان ، ایران ، روس و اسرایل و عرب و عجم و شرکای منطقی شان، به قیمت کالا های لیلای می فروشند.

هموطنان، دوستان، یاران و رفقای عزیز

درچنین اوضاع و احوال مام وطن ، کتله های عظیم مردم درد دیده ، رنج کشیده و عذاب دیده کشور و حکم وجدان و ضمیر آگاه و وطنپرست از همه مردم افغانستان به خصوص روشنفکران هدفمند و رسالت مند آن ، می خواهد تا امراض و بد بختی های متعدد شوم و زیان بار دیروز را کنار گذاشته با شهادت سر بلندی ، صداقت ، راستی ، دوستی و صمیمیت دست بدست هم بدهند و راه خویش را از راه آنهاییکه در صدد فریب خود و دیگران اند جدا سازند . حقایق و جریانات ویرانگر پشت پرده را بی ترس و باهمت و با منطق و ادب در تمام سطوح افشا ساخته با معامله گران، دلالان ، دروغگویان ، فریب کاران ، آدمکشان ، قاچاقبران ، پودر فروشان و وطنفروشان به هر نام و نشان دین و آیین ، عبا و قبای که باشند به مبارزه بی امان و دوام دار برخیزند.

این راه دراز است !، این راه مخوف و دشوار است !، این راه پر از خرنده و گزنده و پیر از خار و خارزار است !، این راه تاریک و نامکشوف است !، این راه قربانی و ایثار می طلبد ! ، ولی این راه بی پایان نیست و آنرا یک پایان است که آن هم پیروزی علم بر جهل ، نور بر ظلمت ، روز بر شب، سفیدی بر سیاهی، راستی بر دروغ، شهادت بر جبن و صراحت بر ابهام است.

این مبارزه باید از شخص به جانب جمع استقامت گیرد یعنی این مبارزه را باید از خود آغاز کرد ، و در مقیاس خانواده ، اقارب و خویشاوندان ، دوستان و عزیزان ، حلقات و گروپ های هم نظر و هم نشین احزاب و سازمان های سیاسی و بالاخره در مقیاس های بزرگ و بزرگتر دنبال و پیگیری کرد.

با در نظر داشت تبصره بالا ما عده ی از اعضای دیروز حزب دموکرتیک خلق افغانستان (حزب وطن) ، نهضت مهینی و نهضت فراگیر ، حزب واحد که در پایین

همین نامه فهرست اسمای مان درج است بنا بر ملحوظاتی الی تدویر گنگره حزب واحد و تصویب مرانامه ، اساسنامه و تصامیم و فیصله های آن عضویت مان را در تشکلات شورای اروپای و سازمان مربوط مان به تعلیق در آورده خود را مسنول و مکلف به اجرای تصامیم و فیصله های مقامات حزب واحد الی رفع ملاحظات مان نمی دانیم.

دلایل این اقدام ما عبارت اند از:

از نظر ما شورای اروپای حزب واحد با ترکیب کمی و کیفی ، مصلحتی ، شکلی و نا کار آمدش مولود سازش ها و زد و بند های حلقات و گروپ ها و حتی افراد و اشخاصی میباشد ، که نه تنها نیاز زمان کنونی اینجا و آنجا ضرورت وجود آنرا نفی می نماید بلکه وجود آن مانع سنگینی بر روند تحقق و قوام همبستگی نیرو های مترقی و تحول طلب و روشن اندیش کشور ، در مقیاس داخل و خارج کشور محسوب میگردد. ما در گذشته های نه چندان دور از موجودیت آن همه گروپ ها و فرکسیون ها ، و عدم وجود دموکراسی و شفافیت ، خاطرات خوشی نداریم. چنانچه اکنون نیز پروسه آغاز شده وحدت دو حزب « نهضت فرا گیر و حزب متحد ملی» که هیچ گونه اختلاف عقیدتی تکتیکی و استراتژیک در دیروز و امروز نداشته اند بنا بر مداخلات ، بهانه سازی ها و خود محوری های از همین آدرس اقبال تحقق نیافته بار بار به تعویق می افتد و ما را ترس از آن است که مبادا این آرمان مقدس مدفون حیلها و نیرنگ های تنی چند از خود خواهان و خود پرستان گردد.

از نظر ما شورای اروپای یک محور موازی رهبری کننده در نهضت فراگیر حزب متحد ملی و اکنون حزب واحد بوده ، به نقش ، اوتوریت و اعتبار ارگانهای رهبری حزب ، در داخل کشور شدیداً آسیب می رساند . وجود چنین تشکیلات متورم ، مقامات ، شعبات و پست های تشریفاتی هیچ گونه تلفیق و هماهنگی با ساختار تشکیلاتی احزاب اپوزیسیونی و به خصوص بیرون از کشور نداشته فقط باعث بوجود آمدن گروپ بندی ها ، فرکسیون ها ، اتلاف زمان و مصارف بی جا و بیمورد اقتصادی و زمینه ساز سوء استفاده ها میگردد.

در خوب ترین صورت میتوان شورای از ترکیب مسولین کشور های اروپای با داشتن صلاحیت های مشورتی به خاطر تبادل تجارب و پیشبرد پاره از امور مربوط به روابط خارجی سازمان بوجود آورد ، که اعضای آن به گونه طبیعی در سازمان های مربوط ان به شیوه آزاد و دموکراتیک انتخاب می گردند . ولی به هیچ صورت نباید اجازه داد یک حزب با دو مرکز و دو رهبری وجود داشته باشد و همچنان نباید

وجدانا قبول کرد که یکبار دیگر حزب دو جناحی را با همه عواقب نا مطلوب آزموده شده آن در وجود نهضتی ها و متحدی ها که خاطرات تلخ و جانکاهی خلقی و پرچمی دیروز را دو باره در اذهان تداعی میکند بوجود آید . اما با کمال تأسف تشکلات اروپائی حزب واحد مصلحت، ها معامله ها و به اصطلاح ۵۰ / ۵۰ هایش یکبار دیگر در جهت آزمودن آزموده های تلخ و زیان آور دوره های ناکام خلقی و پرچمی در حرکت میباشد ، چنانچه همین اکنون از جانب حلقات معینی از نهضتی ها به گونه های کهنه و دیروزی علیه محترم نور الحق علمی افواهات و اتهامات را میتوان اینجا و آنجا استماع نمود از جمله داستان خانه کرایه که باید مقر دفتر حزب واحد در کابل در آن اسکان گزین شود و اختلافات که بر سر فصل و باب وجوه مالی کرایه آن فی مابین محترم شیر محمد بزرگر و محترم نور الحق علمی گویا بروز نموده است در محافل برخی ها به یک موضوع قابل بحث و قابل مکتب تبدیل گردیده است از نظر ما سازمان های کشور های اروپائی باید در همه امور تشکیلاتی ، مالی و سیاسی تابع هدایات دساتیر و رهنمود های مرکز بوده ارتباط مستقیم شان با کابل تأمین گردد ، این کار باعث آن می شود تا دموکراسی ، شفافیت و علنیت در سازمانها ارتقا یافته، سطح باز پرس و مسولیت پذیری در مقیاس شوراها و کمیته ها بالا رود . بگونه مثال تا کنون اعضای سازمانها از کمیت اعضای حزب در اروپا آگاهی دقیق ندارند و استدلال مقامات نیز همان مسئله راز داری و نزاکت ها میباشد، که این موضوع به نوبه خود باعث سردرگمی در شیوه پرداخت حق العضویت ها شده هرگز به اعضای سازمان این فرصت میسر نمی گردد که از سر نوشت مالی سازمان شان تصور روشن داشته باشند و معلول این سردرگمی همان حدس و گمانه زنی ها و ایجاد شک و تردید ها میگردد. بر عکس اگر سازمان های کشوری ارتباط مستقیم با رهبری حزب در کابل داشته باشند آنگاه همه اعضا از مسولین ، و مسولین از اعضا در محیط و فضای باز و علنی میتوانند در ارتباط با سیاست ها ، عمل کرد ها ، مسایل مالی ، تشکیلاتی و سایر موارد ، بحث و تبادل افکار نموده پیشنهادها و نظریات سازنده شان را بدون سانسور و دخالت مرکز دومی به مراجع مربوط حزبی محول میدارند ، ولی اکنون نظریات و پیشنهادات ارائه شده رفقا که اکثریت شان کادر های مجرب با سواد، تحصیل کرده، جوان و متخصصین عرصه های مختلف میباشند یکبار به هالند گسیل گردیده و بعد از گذشتن از حضور رهبری شورای اروپای ، در صورت تأیید آنها افتخار زنده ماندن و بالنده گی می یابد در غیر صورت خاک و دود نیست و نابود میشوند. به گونه مثال:

در جلسه مورخ ۱۹ سپتمبر ۲۰۱۰ میلادی شورای سراسری دنمارک پیشنهاد های از جانب اعضا ارائیه وطی سند تدوین و فیصله بعمل آمد تا پیشنهادها در اجلاس کنفرانس مورخ ۲۶ سپتمبر ۲۰۱۰ شورای اروپائی از جانب نماینده گان منتخب دنمارک به خوانش گرفته شود از مجموع ۱۰ تن نماینده منتخب دنمارک صرف ۴ تن در کار کنفرانس هالند شورای اروپای حضور داشتند که از جمله رفیق

خواجه محمد مسئول كشوري دنمارك حزب واحد فرصت سخنراني يافتند ولي بنا بر هر دليلي كه مربوط به خواجه محمد مي‌شود از قرائت پيشنهادهاي ارابيه شده كه به طور كتبي در اختيارش بود امتناع ورزيده است زمانيكه از خواجه محمد يكي از رفقا دليل عدم ارابيه پيشنهادهاي را جويي گرديده است او در پاسخ گفته است كه فضا براي چنين پيشنهادهاي مساعد نبوده است كه اين عدم مساعد بودن فضا نيز سؤال است كه خواجه محمد به كنييت آن واقف است وبس بدين ترتيب پيشنهادهاي ذكر شده را هرگز رهبري حزب در كابل نه خواهندديد.

اين تراكم تشليلاتي و قدمه دار بودن آن باعث گرديده است تا اعضا هرگز از سر نوشت وجوه مالي كه بنام حق العضويت و اعانه مي‌پردازند با خبر شوند، باز هم موضوع راز داري و هراس از آنكه پول ارسالي از جانب ارگانهاي كشفي كشف گرديده و در لست كمك به توريست ها شامل نه شود لازم نيست تا اعضا از آن با خبر باشد فقط تني چند از اهل خبره و محرم راز كافي است از پرده راز آگاه باشند ، واز نظر انها مسايل چون علنييت و شفافيت در حسابدهي گتيگوري هاي تيوريك بوده كه با آن ها بايد بر خورد محتاطانه صورت گيرد. همين پنهان كاري ها باعث شده است كه ما صفوف از ينگه كدام مقدار از عوايد مالي سازمان هاي اروپايي حزب مصرف تكت طياره ، پول هتل ، سفر خرچ وساير تدابير سياسي_ سازمانی رهبري شوراراي اروپاي و كدام بخش آن به كابل انتقال شده است هرگز آگاهي حاصل نه خواهيم كرد و ما مطمئن هستيم كه با داشتن چنين تشكلاتي زنجيره ي وقدمه دار شما رفقاي كابل نيز هرگز از اين راز سر بدر نخواهيد آورد رهبران ما در شوراي اروپاي مي‌خواهند، تا ما مانند ديروز سر باز گونه آنچه هدايت و دستور است اطاعت نمايم و برايمان در همان حد حق ابراز نظر داده مي‌شود كه باعث ملال خاطر بزرگان نه گردد. و نظري كه با دید رهبري ساخت هالند سازگار نباشد ، محكوم به نكوهش و غير اصولي بودن ، پرنسپي نبودن ، پيش از وقت و..... گرديده صاحبان نظريات در خوب ترين صورت محكوم به كم سواد بودن ، ماجرا جو بودن احساساتي بودن و.....مي‌گردند.

اما حكم زمان اكنون چيزي ديگري است. تشويش و نگراني ما از اين است كه مقاومت در برابر خواست زمان و تحميل خواسته‌هاي كهنه و غير قابل قبول بر زمان ناممكن بوده باعث گمراهي و در آخرين تحليل باعث بر بادي همه مان ميگردد كه متأسفانه در آن صورت به قول معروف تر و خشك يکجا خواهند سوخت . از اين جاست كه به همه ما لازم و ضرورت است تا با تعمق ، زمان كنوني و نياز هاي مبرم ان را درك نمايم. از خود محوري ، خود خواهي و خود بيني به ديگر انديشي نو انديشي و تغيير رو بياوريم و خود را در مسير حرکت زمان قرار دهيم.

ما در حاليكه به نقش و تجارب پيش كسوتان ديروز مان ارج و احترام قايل هستيم بدین باوريم كه در شراط جديد امروزي آن عزيزان ديگر نميتوانند نا خدای كشتي

مبارزات معاصر و امروزی باشند. عصر امروز نیاز به انسانهای امروزی دارند و از ما می‌خواهد تا به آن‌ها چانس و فرصت داده مانع رشد و تکامل آنها نگردیم.

در شورای اروپای و شاید هم در برخی از شورا های کشور ها پابندی لازم به اصول ، نورم ها و پرنسیب های کلی و حتی بدانهای که ، آن‌ها خود می‌سازند وجود ندارد ، به گونه مثال کمیت اعضای شورای اروپای که توسط نماینده گان منتخب آن شورا انتخاب گردیدند، به اساس خواست های سلیقوی و مصلحتی هرگا هی خواسته باشند دستخوش تغییرات کمی قرار داده می‌شود. اگر مرجع با صلاحیت انتخاب اعضای شورای اروپای ، اجلاس عمومی آن است ، پس فهرست اسمای که مرحله وار و بعد از کنفرانس بدان افزود گردیده است توسط کدام مرجع انتخاب گردیده اند. در کشور دنمارک در اجلاس شورای کشوری حزب واحد در مطابقت با پرنسیب های تشکیلاتی شورای اروپای به تعداد ۵ تن منحصیث اعضای کمیته اجراییوی انتخاب گردیده بودند که بعداً باگذشت حدود یک ماه و چند به ترکیب آن اسمای ۶ تن دیگر بدان افزود و از طریق سایت‌های پیام نهضت و متحد ملی به نشر سپرده شد . که اسمای تنی چند از آن‌ها را شما رفقا و دوستان عزیز در پایان این نامه نیز مشاهده می فرمایید.

سؤال اینجاست که آیا اصلا این شورا ها و کمیته ها از چنین صلاحیت های بر خوردار میباشند ؟

اگر پاسخ مثبت است پس این صلاحیت ها را کدام مقام حزبی به این شورا ها و کمیته ها و یا هم دقیقتر به این آدم‌ها تفویض داشته است؟

بعضا موارد نیز به مشاهده میرسد که زمینه‌های حدس و گمانهای مبنی بر راپور دهی نادرست شورای اروپای را در ذهن تداعی می‌بخشد. توجه رفقا را به تازه ترین خبری که در سایت پیام نهضت تحت عنوان « کمیته اجراییه توحید و انسجام حزب واحد تدویر یافت » به نشر رسیده است معطوف میداریم.

اعضای سازمان اروپای حزب به شیوه دموکراتیک ارگانهای رهبری کننده سازمان اروپایی حزب واحد را انتخاب و نماینده گان را برای کنگره نیز معرفی کرده‌اند.

رفقا عزیز !

اول اینکه چرا باید نماینده گان کنگره حزب واحد از سازمانهای اروپای انتصابی بوده و از جانب شورای اروپای اروپایی معرفی گردند ، مگر اعضای حزب واحد با زنده گی در اروپا که در اکثریت موارد مظهر واقعی تبارز دموکراسی است ، نورم های دموکراتیک را فراموش کرده‌اند ؟ و در صورتی که این سازمان ارگانهای رهبری

اروپایی خویش را به گونه ی دموکراتیک انتخاب می نماید چه مشکلی به جزء ازتعمیل افراد مورد نظر عده ی در کار کنگره میتواند درمیان باشد.
دوم اینکه این نماینده ها که از جانب شورای اروپایی معرفی شده اند، کی ها اند، که باز هم شاید به جز تئی چند ، اعضای سازمان ها هیچ گونه اطلاعی از شهرت حقوقی ، فزیک و سیاسی شان ندارند.

اعضای محترم حزب واحد در اروپا!
آیا شما با چنین یک اقدام که «نماینده گان» شما در کنگره حزب واحد انتصابی بوده و از جانب عده ی بدون اراده ی شما مهندسی شوند موافقید؟

چون ما در کلیت امر با موجودیت شورای اروپای مخالف هستیم ، نمی خواهیم ازین بیشتر وارد جزئیات این بخش گردیم . با در نظر داشت ملاحظات بالا میان بدین نتیجه رسیدیم که عضویت مان را در سازمان های حزب واحد به تعلیق در آورده منتظر تدویر کنگره حزب واحد و تصویب اسناد آن باشیم در صورت که کنگره حزب واحد بتواند به این همه دوگانگی ها ، خود سری ها ، و تعدد محور های رهبری نقطه پایان گذارد و اسناد مصوب کنگره حزب واحد مورد حمایت فکری مان قرار داشته باشد مانع اصولی در دوام پیوند حزبی مان با حزب جدید وجود نخواهد داشت ، ما به اتخاذ چنین تصمیم بخاطر وادار گردیدیم که نظریات و پیشنهادهای مکرر تحریری و شفاهی مان در جلسات حضوری ویالتاکی طی سالهای موجودیت شورای های اروپای مورد توجه قرار نگرفت. بنا بر جهت ما نمی خواهیم یکبار دیگر شریک مبارزات جناحی و فرکسیون شویم. و این اقدام خویش را گامی در جهت فشار بر آنائیکه در راه تأمین وحدت سنگ اندازی می نمایند ارزیابی نموده از رفقای عزیز وحدت خواه که با نظریات ما خود را شریک بیابند امید واریم بدین پروسه بپیوندند .
در اخیر از رهبری حزب واحد در کابل ضمن یاد دهانی مشکلات فوق آرزومندیم تا با پدیده های نا سالم موجود بی هراس و متکی به رفقای داخل کشور و رهبری جمعی آن بر خورد جدی انجام دهند.
این نامه فقط و فقط مربوط به انهای می شود که اسمای شان در زیر ذکر گردیده است.

- ۱- خلیل الرحمن یحیی
- ۲- شریف کوهستانی
- ۳- عبدالحبیب حبیبی
- ۴- عبدالخالق غوثی

- ۵- عبدالرشید فلاح
- ۶- عبدالعزيز پیشرو
- ۷- عبدالنبی آرین
- ۸- غلام جمیل حنیفی
- ۹- غلام جیلانی
- ۱۰- محمد الله وطن دوست
- ۱۱- محمد مراد نوری
- ۱۲- محمد یاسین
- ۱۳- محمد یعقوب فیض مند
- ۱۴- محمد یوسف ایوبی
- ۱۵- محمد یوسف رامین
- ۱۶- محمد اکرم پیکار
- ۱۷- مسعود حداد
- ۱۸- نعمت الله حیدری
- ۱۹- نور محمد خرمی
- ۲۰- نور الله پروانی
- ۲۱- هدایت الله فرخاری